در نشست «فراروی تنش در خاورمیانه» بررسی شد

# وعده صادق ۲ فقط عملیات موشکی نبود

نشست «فراروی تنش در خاورمیانه» به دبیری سیدحامد موسوی، عضوهیئت‌علمی دانشگاه تهران و با حضور حمزه صفوی، عضوهیئت‌علمی دانشگاه تهران و مهدی آهویی، عضوهیئت‌علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار شد. متن این نشست را در ادامه ازنظرتان می‌گذرانید.

**سیدحامد موسوی**
**عضوهیئت‌علمی دانشگاه تهران:**

روند جلسه ما به این صورت است که من ابتدا سه سؤال می‌پرسم و هر یک از دو استاد به‌نوبت به این سؤالات پاسخ می‌دهند. سؤال اول این است که چگونه به نقطه فعلی رسیده‌ایم؟ چه اتفاقاتی رخ داد؟ چه تصمیماتی گرفته شد؟ شما می‌توانید تصمیمات گرفته شده را نقد یا بازنقد کنید؛ اما اصل سؤال ما این است که چگونه ما امروز در این نقطه قرار داریم؟

**مهدی آهویی**
**عضوهیئت‌علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران:**

اندکی به عقب برمی‌گردم. فکرمی‌کنم موضع موجود رابدون فهم کامل‌نسبت آن نمی‌توانیم تحلیل کنیم. به نظر من یک‌رشته اتفاقات رخ می‌دهد و پس‌ازآن باعث می‌شود قضایایی تشدید شود یا منازعی درگیرد. طبیعتاً باید برای بررسی این جور مسائل، ریشه‌های آن را در نظر بگیریم. در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ چند مقاله نوشته‌ام که فکر می‌کنم هنوز هم در اینترنت باشد. آن زمان بحث صلح خاورمیانه مطرح بود، ۲۰ سال پیش بررسی هایی انجام دادم و گفتم ایران تحت هیچ شرایطی به صلح با اسرائیل نخواهد رسید و علت آن هم مشخص است. علت، مبانی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی است. من می‌خواهم تحلیلم را در چندلایه مطرح کنم.

یکی از این لایه‌ها مسئله گفتمانی است. شما نمی‌توانید این لایه را نادیده بگیرید و بگویید همه چیز مرتبط با راهبرد است. باید گفتمان و لایه گفتمانی را هم در نظر گرفت. فرض بگیریم ما روزی با آمریکا کنار بیاییم. گمانایسکه مذاکره کنیم. حرف زدیم. با هم دست دادیم. پرچم کنار هم گذاشتیم و همه این کارها را کردیم. شاید فرض کنید ما روزی با آمریکا کنار بیاییم، اما هرگز این اتفاق با اسرائیل رقم نمی‌خورد. مسئله ضدیت با اسرائیل و صهیونیسم جزء مبانی انقلاب اسلامی است. ضدیت ما با آمریکا آن قدر و تا به این میزان نیست. ضدیت با آمریکا بعداً وارد مبانی انقلاب اسلامی شد. در اثر اتفاقاتی که تحت تأثیر جریانات چپ‌گرا، مسئله سفارت، حمله طبس و جنگ بود، در تنشی از دشمنی با آمریکا افتادیم.

حالا موضوع نیست امام در پاریس با حق قبل از آن در جایی گفته باشند ما هرگز با آمریکا رابطه‌ای نخواهیم داشت؛ ولی در مورد اسرائیل این حرف زده شده است. از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی افرادی مثل مطهری، شریعتی، جلال آل‌احمد، خوام‌دام و یاران ایشان، مرحوم محتشمی، دعایی و دیگران - که همراه امام در نجف بودند، به‌حرال ارتباط می‌کردند. در دهه‌ال ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۳ باقرلند حلوم خاورمیانه مطرح می‌شود و اسرائیل شروع به گفت‌وگو کرده و اجلاس جای صلح، اجلاس مادرید و پس‌ازآن پیمان اسلو برقرار می‌شود. در این شرایط ایران در سطح دیپلماتیک است.

ما عملاً از ما جراحت قدس شده بودیم، حتی به اجلاس مادرید دعوت هم نشده بودیم. آن پیمان چیزی مانند همین پیمان ابراهیم بود که الان طرح شده است. ما تنها یک انتخاب داشتیم و انتخاب‌ایران این بود که در مقابل این جریان خواهیم ایستاد؛ در مبانی ما راستگرا و مبانی مقاومت را جمع کردیم. البته از قبل از دهه ۸۰ میلادی حزب‌الله ایجاد شده بود. بحث انتفاضه اول همان زمان بود؛ اما آرام‌آرام به این سمت رفتیم که چیزی به عنوان محور مقاومت سازیم. عرفات اینجا در آن زمان درست نمی‌دانست. در دهه ۲۰۰۰-۲۰۱۰ و بعد از حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام بود که رسماً به محور مقاومت شکل دادیم. عمده این اتفاق هم در زمان اشغال عراق و نزدیک به جریان حمله آمریکاست.

بعد از خروج آمریکا دیگر همه اقدامات مقاومت منمرکز به اسرائیل می‌شود. این وسط پارتنرهایی مثل داعش و دیگر گروه‌های تروریستی هم را شد که مورد هدف محور مقاومت قرار گرفتند؛ اما هدف ما این بود که مقاومت را تبدیل کنیم به یک جریان، ما حلقه محاصره‌ای را نه توسط دولت‌ها و کشورها، بلکه توسط گروه‌ها و جریان‌ها تشکیل دادیم که اتفاقاً همه منطقه را از شمال تا جنوب و شرق، اسرائیل را از هر سه طرف محاصره کنند. علی‌رغم همه فراز و نشیب‌ها و هزینه‌هایی که در مسیر دادیم و آنجا دارد برای ما و محور مقاومت هزینه بر بود، برای تشکیل این شاکله و مهار اسرائیل ضروری بود و موفق عمل کردیم. پس از تشکیل محور مقاومت، اسرائیل همیشه درصدد بود بتواند این شاکله را تخریب بدهد. این سیر تاریخی را در نظر داشته باشید. به ۴ اکتبر سال گذشته می‌رسیم. به نظر من در این تاریخ اسرائیل احساس می‌کند که اگر این وضعیت بیشتر ادامه پیدا کند دیگری بتواند در مقابل حزب‌الله وارد شده، جمع بندی نهادهای امنیتی این است که کل ضربتی که حزب‌الله لبنان خورده تا الان حدود ده تا ۱۰ درصد از توانایی عملیاتی‌اش را از دست داده، یعنی حجم انبارهای موشکی که مورد احداث قرار گرفته، همه را باهم جمع کنید، بالقوه‌ترین ۱۰ درصد است.

**موسوی**
**یعنی اسرائیلی‌ها در این خصوص اشتباه می‌گویند؟ چون آنها می‌گویند تا ۵۰ درصد تخریب شده است.**

**صفوی**
اینکه گفتم، اطلاعات دقیقی است که ایرانی‌ها می‌دهند. دروغ هم نمی‌گویند. این گمانه‌ایی که من از آنها پرسیدم، کسانی نیستند که در ۳۰ سال گذشته ارتش دروغ شنیده باشم. اسرائیل نیاز به یک تغییر معادله دارد. ممکن است این تغییر معادله از حوزه‌ای که ما فکرش را نمی‌کنیم، باشد و امیدوارم که به اشتباه ذهنم به این سمت رفته باشد؛ اما تغییر در حوزه جغرافیایی سوریه برای اسرائیل حیاتی است. از زمان شهادت سید حسن نصرالله تا الان این چند صد تن سالح به دست حزب‌الله رسانده است. از نظر اسرائیلی‌ها این کردوردباید قطع شود و سوریه این وسط نقش حیاتی دارد. درکل داستان اینجاست؛ محور مقاومت نقش عراق و همچنین نقش سوریه مهم است. در کوتاه‌مدت نقش سوریه مهم است.

ایران باوضعیتی در سوریه مواجه است که آن جوری که باید نسبت به محور مقاومت حمله جمعی پیدا نکرده و سوریه در شرایطی است که احساس می‌کند اولویتش حفظ امنیت کشورش است. مسئله‌اش بشار اسد نیست. مسئله‌اش لایه پایین بشار اسد است که به نوعی در تعامل با عربستان و امارات است و لایه دیگرش در تعامل با ترکیه، برای آینده سوریه است که برای تضمین‌های بازسازی مالی که نیاز داشتند، به‌دستان اقتصادی سیاسی گذشته است. بنابراین، این لایه الان لایه مخالف و رخت‌کرده ایران است. ایران هم اتفاقاً در محیط سوریه می‌تواند حرکتی را برای بیشینه‌سازی دسترسی‌اش به محور مقاومت داشته باشد.

**موسوی**
**فبل از سؤال دوم، می‌خواهم از هر دو نفر بپرسم به نظر شما این راجع به حزب‌الله چطور است؟ تحلیل من این است که هدف حزب‌الله این بود که دیگری محدود را با اسرائیل پیش ببرد تا این فشار را از غزه کم کند. اگر هدف حزب‌الله پیاده‌سازی این راهبرد بود؛ یعنی الان دچار چالش و مشکل شده است؟**

**صفوی**
ما بحثی با طرف اروپایی و آمریکای داریم. آن‌ها می‌گویند ایران در مسئله فلسطین مداخله نکند. من در جمع اندیشکده‌ایی با حضور اندیشکده‌های اروپایی بحثی را مطرح کردم و گفتم اینجا آمریکا و اروپا از اسرائیل حمایت نکنند. بعدها از منوچ داشته باشند که مسئله را به خود فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها بسپارید تا با هم حل کنند. هیچ‌کسی حتی در حرف هم حاضر نیست که بگوید حاضریم یک‌دارم مشکل منطقه از درون منطقه و بدون پشتیبانی بیرونی حل شود.

وقتی یک طرف پشتیبانی تمام عیار دارد از یک‌روی‌ه‌ای که غیرانسانی، حقوق و انسانی است، به‌توقع است؛ اصلاً موضوع‌ایشان در جریان‌ایران خارجه، بنابراین و ناکارای ندارم. وقتی به آن طرف، بدون محدودیت پشتیبانی می‌شود، این طرف هم باید مقدار بشاید که نابود شود. برای همین هم جبهه مقاومت به این نتیجه رسید که وقتی ایک طرف اجماع وجود دارد، اگر این طرف متحد و همراه باشد، یک به‌یک به سرانی اتهامی آید. در مقابل هم اسرائیل دشمن است. باتکرد. او هم رماند سابق دند ده قبلی خودرا که طبق آن حاضر نبود در جنبه جهت‌گیری، عوض می‌کند. در چند جبهه می‌جنگد و از عمد جبهه ایشان راهم باز می‌کند. این رفت‌وبرگشت راهبرد‌ها در روابط بین‌الملل است.

**پیچرا نشان داد اسرائیل دنبال ضربه بود**

**آهویی**
باز اینجا باید به تاریخچه نگاه کنیم. ما باید به ۲۰۰۶ بازگردیم و تحلیلی از جنگ ۳۳ روزه داشته باشیم. آن وقت می‌بینیم که رتبه داستان به جنگ ۳۳ روزه بازمی‌گردد. اینجاست‌که باید. جنگ را هیچ‌وقت فراموش نکردند و شاید هم‌ایران شود آمریکاست. اصلاح و ترمیم کنند. باید دست در آن زمان، حتی تیم جویچ‌وش داشت. تا حدی آماده حمله نظامی به ایران می‌شد. این بحث هم تا اوایل ۲۰۰۷ ادامه داشت. ولی با توجه به تبادل تاکتیکی بین ایران و آمریکا در سال‌های ۲۰۰۶ عملاً تیم‌وش در مورد ایران از تیمی صرف نظر کرد. می‌گفتم بگویم اگر موقع و وضعیتی شبیه به الان داشتیم. همه چیز مهیا بود. وقتی جنگ نخواهند شد. اتفاقاً شود و بعد به مسائل ایران بیایند. اما مجاطور دیگری رقم خورد. مسئله الان این است که آنها شکست و ضربه‌ای ایک خوردند. فراموش نکرده‌اند. به نظر من اسرائیلی‌ها از اینجا به دنبال آن بودند که انتقام بگیرند. اگر قضیه پیچرها از سال ۲۰۲۲ شروع شده باشد، بهترین حجت است برای این که بگوییم حمله الان به حزب‌الله اصلاً ربطی به ۷ اکتبر نداشته و اینها از قبل درصدد این بودند که برای تسویه‌حساب به حزب‌الله ضربه بزنند. این ماجرا در ۷ اکتبر که رقم خورد، دیدند زمینه مهیاست. حزب‌الله هم حملات محدودی داشت و نزدیک به ۱۰ هزار نفر از شهرک نشینان آنجا را ترک کردند. همین بهانه‌ای شد که بعدا ترا خاک یکسان کردن غزه به سمت خاک بیایند. باید به این نکته توجه داشت که اسرائیل هم حملات حزب‌الله، حملات تاکتیکی بود و نشان داد که قصد گسترش جنگ را ندارد. به‌حرال سید حسن نصرالله بسیار باتجربه بود و اسرائیلی‌ها هم این همه سال با او کار کرده بودند. رفتار او قبل دیگر بود. حملاتی که انجام می‌داد به هیچ‌عنوان عملیات آغازی نداشت که به معنای جنگ تمام عیار باشد و موازنه‌ای را برقرار می‌کردند که در همان حد قابل درک و کنترل بود. اما نتانیاهو تصمیم گرفت این جنگ را به یک جنگ تمام عیار تبدیل کند. بااین حجم ازبمباران که مخصوصاً در بیروت اتفاق افتاد جنگ به سمت جنگ تمام عیار پیش رفت. این حجم ازبمباران خیلی بی‌سابقه بود. به نظرم در این برهه صرفاً تصمیم خود اسرائیلی‌ها برای تشدید خیلی خیلی شدید بسته بود که به جنگ تمام عیار منجر شد. وگرنه رفتار حزب‌الله در این جهت نبود.

**موسوی**
**به سؤال دوم برویم. در سؤال دوم می‌خواهم به بحث ایران و این دیگری و چالشی که بین ایران و اسرائیل پیش آمده بپردازیم. شما به نظرتان موضع‌هایی رادیکال و رویکرد کشور متصوربد و چه نوع رویکردی را رویکرد مطلوب می‌دانید؟**

**آهویی**
الان آن قدر سرعت حوادث بالاست که تحلیل کردن کار سختی به نظرم می‌رسد؛ اما ایران شرایط کاملاً متفاوتی دارد. اسرائیل به عنوان دولوه مدیترانه‌ای چین شناخته شده است. چین این گزاره را راجع به شرایط خودش مطرح می‌کند.

می‌گوید ۷ اکتبر را کشی است به آنچه که اتفاق افتاد. بنابراین زمانی که شما در صلح اینجا نشسته‌اید، می‌توانید بگویید ۷ اکتبر اشتباه بود و غرغه نابود شده است. از اینجا حرف‌زدن خیلی راحت است. اما اگر خودتان بودید آنجا زندگی کنید، می‌فهمید که نمی‌توانید اینه دهید. در آنجا به این نتیجه می‌رسید که هر کاری بتوانید در می‌کنید که وضعیت موجود را برهم بزنید. بنابراین انتظار یک واقعه از بیرون و دیدن آن واقعه از درون به نظر من مقداری متفاوت است.

**موسوی**
**ما بحثی با طرف اروپایی و آمریکای داریم. آن‌ها می‌گویند ایران در مسئله فلسطین مداخله نکند. من در جمع اندیشکده‌ایی با حضور اندیشکده‌های اروپایی بحثی را مطرح کردم و گفتم اینجا آمریکا و اروپا از اسرائیل حمایت نکنند. بعدها از منوچ داشته باشند که مسئله را به خود فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها بسپارید تا با هم حل کنند. هیچ‌کسی حتی در حرف هم حاضر نیست که بگوید حاضریم یک‌دارم مشکل منطقه از درون منطقه و بدون پشتیبانی بیرونی حل شود.**

**وقتی یک طرف پشتیبانی تمام عیار دارد از یک‌روی‌ه‌ای که غیرانسانی، حقوق و انسانی است، به‌توقع است؛ اصلاً موضوع‌ایشان در جریان‌ایران خارجه، بنابراین و ناکارای ندارم. وقتی به آن طرف، بدون محدودیت پشتیبانی می‌شود، این طرف هم باید مقدار بشاید که نابود شود. برای همین هم جبهه مقاومت به این نتیجه رسید که وقتی ایک طرف اجماع وجود دارد، اگر این طرف متحد و همراه باشد، یک به‌یک به سرانی اتهامی آید. در مقابل هم اسرائیل دشمن است. باتکرد. او هم رماند سابق دند ده قبلی خودرا که طبق آن حاضر نبود در جنبه جهت‌گیری، عوض می‌کند. در چند جبهه می‌جنگد و از عمد جبهه ایشان راهم باز می‌کند. این رفت‌وبرگشت راهبرد‌ها در روابط بین‌الملل است.**

**پیچرها نشان داد اسرائیل دنبال ضربه بود**

**آهویی**
باز اینجا باید به تاریخچه نگاه کنیم. ما باید به ۲۰۰۶ بازگردیم و تحلیلی از جنگ ۳۳ روزه داشته باشیم. آن وقت می‌بینیم که رتبه داستان به جنگ ۳۳ روزه بازمی‌گردد. اینجاست‌که باید. جنگ را هیچ‌وقت فراموش نکردند و شاید هم‌ایران شود آمریکاست. اصلاح و ترمیم کنند. باید دست در آن زمان، حتی تیم جویچ‌وش داشت. تا حدی آماده حمله نظامی به ایران می‌شد. این بحث هم تا اوایل ۲۰۰۷ ادامه داشت. ولی با توجه به تبادل تاکتیکی بین ایران و آمریکا در سال‌های ۲۰۰۶ عملاً تیم‌وش در مورد ایران از تیمی صرف نظر کرد. می‌گفتم بگویم اگر موقع و وضعیتی شبیه به الان داشتیم. همه چیز مهیا بود. وقتی جنگ نخواهند شد. اتفاقاً شود و بعد به مسائل ایران بیایند. اما ماجاطور دیگری رقم خورد. مسئله الان این است که آنها شکست و ضربه‌ای ایک خوردند. فراموش نکرده‌اند. به نظر من اسرائیلی‌ها از اینجا به دنبال آن بودند که انتقام بگیرند. اگر قضیه پیچرها از سال ۲۰۲۲ شروع شده باشد، بهترین حجت است برای این که بگوییم حمله الان به حزب‌الله اصلاً ربطی به ۷ اکتبر نداشته و اینها از قبل درصدد این بودند که برای تسویه‌حساب به حزب‌الله ضربه بزنند. این ماجرا در ۷ اکتبر که رقم خورد، دیدند زمینه مهیاست. حزب‌الله هم حملات محدودی داشت و نزدیک به ۱۰ هزار نفر از شهرک نشینان آنجا را ترک کردند. همین بهانه‌ای شد که بعدا را با خاک یکسان کردن غزه به سمت خاک بیایند. باید به این نکته توجه داشت که اسرائیل هم حملات حزب‌الله، حملات تاکتیکی بود و نشان داد که قصد گسترش جنگ را ندارد. به‌حرال سید حسن نصرالله بسیار باتجربه بود و اسرائیلی‌ها هم این همه سال با او کار کرده بودند. رفتار او قبل دیگر بود. حملاتی که انجام می‌داد به هیچ‌عنوان عملیات آغازی نداشت که به معنای جنگ تمام عیار باشد و موازنه‌ای را برقرار می‌کردند که در همان حد قابل درک و کنترل بود. اما نتانیاهو تصمیم گرفت این جنگ را به یک جنگ تمام عیار تبدیل کند. بااین حجم ازبمباران که مخصوصاً در بیروت اتفاق افتاد جنگ به سمت جنگ تمام عیار پیش رفت. این حجم ازبمباران خیلی بی‌سابقه بود. به نظرم در این برهه صرفاً تصمیم خود اسرائیلی‌ها برای تشدید خیلی خیلی شدید بسته بود که به جنگ تمام عیار منجر شد. وگرنه رفتار حزب‌الله در این جهت نبود.

**موسوی**
**به سؤال دوم برویم. در سؤال دوم می‌خواهم به بحث ایران و این دیگری و چالشی که بین ایران و اسرائیل پیش آمده بپردازیم. شما به نظرتان موضع‌هایی رادیکال و رویکرد کشور متصوربد و چه نوع رویکردی را رویکرد مطلوب می‌دانید؟**

**آهویی**
سؤال سختی است به این جهت که یک جواب سراسر است ندارد. شما اگر از منظر محور مقاومت ببینید، عملیات صحیحی بود؛ چرا که بحث داشت به سمت وسیعی می‌رفت که پیمان ابراهیم به تصویب برسد. عربستان داشت اسرائیل را به رسمیت محور زیر ضربه قرار گرفته و اسرائیل خطرپذیری می‌کند و تا این حد پیش رفته است، فکر نمی‌کنم بتوانیم از کسی توقع کمک داشته باشیم. در واقع کشورهای دیگر هیچ‌کدام مایل به همکاری و کمک نیستند.

همان طور که بارها گفته‌ام هیچ طرح صلحی روی این میز نیست. آمریکا نه قادر است که به‌تنهایی جلوی اسرائیل را بگیرد و نه مایل است که چنین کاری انجام دهد. ما در لبنان می‌بینیم که آمریکایی‌ها برای هر نوع آتش‌بس اقدام جدی‌ای نمی‌کنند. فکر می‌کنم که نتانیاهو می‌گوید من دارم این دستاورد را برای حزب‌الله راضی‌اند. باید قبول کنیم که همه هم نماشا چی‌اند و نه نوعی از نابودی حزب‌الله راضی‌اند. باید قبول کنیم که در موقعیت خطرناکی قرار گرفته‌ایم.

شرایط بسیار بغرنج است و باید هر چه سریع‌تر این شرایط را هرطورشده در حالت فروکش قرار دهیم. بحث انتخابات آمریکا هم بسیار مهم است. به نظر من با هر دو حزب ما مشکل و چالش خودمان را خواهیم داشت. فرق عمده‌ای میان این دو وجه‌ایشان از اسرائیل و دشمنی با ایران وجود ندارد. به اندازه کافی برای علیه ما بودن در این‌ها نفوذ هست. شاید با دموکرات‌ها تصور این باشد که امکان مصالحه باشد. اما دیگر با اطمینان می‌توان گفت برجام وجود خواهد داشت. اگر ما به میز مذاکره برگردیم، موضوع دیگر برجام نیست و موضوع از بحث منطقه‌ای شروع می‌شود که ممکن است باشروط جدید وارد میز شویم که بذیرش آنها برای حاکمیت خیلی دشوار باشد؛ بنابراین من خیلی خوش‌بین به بحث مذاکره و یا مصالحه با هیچ‌کدام از حزب‌ها نیستم. بازتاب خیلی کار سخت‌تر است. چون ما بعد از شهادت سردار سلیمانی بازتاب مسئله شخصی هم پیدا کرد و ما هم وارد مسئله شخصی پیدا کرد و من فکر می‌کنم عدم‌آتعامل بازتاب غیرممکن است. درهصورت شرایط سختی است. من که از زمان ایران و عراق تا به امروز یاد دارم شاید بعد از جنگ، شرایط به این سختی و بغرنجی نشده باشد. البته سال ۲۰۰۳ و حمله به عراق هم خیلی سخت بود. واقعاً برای ما خطرناک بود و عرض کردم ۲۰۰۷ هم یک تهدیدی وجود داشت. آن زمان هم حساس بود. عملاً آمریکا آمده بود در همسایگی ما و خیلی افسارگسیخته عمل می‌کرد که خوشبختانه آن وضعیت هم گذشت. اما واقعیتش فکر می‌کنم الان در شرایط خیلی دشوار و حساسی قرار داریم.

**عملیات وعده صادق ۲ فقط موشکی نبود**

عملیات وعده صادق ۲ نقطه عطفی داشت که شروع عملیات با یک حادثه امنیتی در درون متروح داد. دوستانی که آگاه باشند می‌دانند این طراحی که حمله متروح در فاصله زمانی کمی با شلیک موشک‌ها رخ دهد، خیلی کار سختی بود. این را باید تکمیل کنم که عملیات وعده صادق ۲ فقط موشکی نبود. یعنی هماهنگ شده بود و اتفاقاً مؤثر هم بوده است. ۳ دهه در محور مقاومت کار کرده‌ایم و سیستم امنیتی را به خود جلب می‌کند. نکته دوم که موضوع و مورد مهمی هم بوده اینکه بین ۱۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۱۴ دقیقه و ۳۰ ثانیه زمان پرتاب موشک از ایران به اسرائیل طول می‌کشد و اینها اتفاقات اینکه ایران به طور مستقیم از خاکش حمله کند را نداشتند. دوم اینکه اتفاقات داشتند که اگر می‌خواهد حمله کند باید نشان می‌دادیم که بشت سر این جبهه هستیم؛ چراکه دراین لایه جنگ روانی دشمن هم به شدت تحت‌تأثیر گوئته بود، مبنی بر اینکه ایران همه چیز را مهار کرده است. این جنگ روانی شدید موجب تضعیف روحیه نیز شده بود. پس حتماً باید اقدامی انجام می‌شد؛ بنابراین ایران این اقدام را انجام داد.

**اسرائیل عملیات دفاعی هم نمی‌تواند انجام دهد**

اما از منظر ما این اقدام، اقدامی دفاعی بوده؛ اقدامی آفندی‌ایه همین خاطر هم است که عملیات ما تمام شد. ما اتمام عملیات را اعلام کردیم. زمانی که اقدامی آفندی باشد دیگر دلیلی برای اعلام اتمام آن وجود ندارد؛ اما رسانه‌ها این را به گونه‌ای دیگر بیان کردند. اسرائیل بگونه‌ای این اقدام را تحلیل می‌کند که بلافاصله گام‌بگام آمریکا را به صحنه می‌آورد. باید یک موضوع آزادی مشابه رخ بدهد. ایران می‌گفت که اسرائیل توان انجام هیچ کاری را ندارد. همه عملیاتی که در غزه اتفاق افتاد، همه عملیاتی که برای رسد و بدافند علیه موشک‌ها انجام می‌دهد، با کمک آمریکاست. اسرائیل هیچ‌کدام را اینها را بدون حمایت آمریکا نمی‌تواند انجام دهد، این حرف خیلی مرشاید راست.

بالاخره این همه تبلیغات و ادعا داشتند و بنا داشتند عملیات دفاعی‌اش را خودش انجام دهد. این خیلی روشن است. اسرائیلی‌ها گام‌به‌گام می‌خواهند آمریکا را درگیر بسازند. آمریکا را درگیر بسازند. برسانند. کمانایکه همین الان هم حدود ۳۰ سربازآمریکایی برای کمک به اسرائیل به منطقه رفته‌اند. در حال حاضر به رفتار من در آمریکا مانند وزارت خارجه، بنتاگون و سی‌آی‌ای به سمت جنگ نیستند، یعنی در شرایط فعلی هیچ‌کدام‌شان طرف‌دار جنگ نیستند. حالا ممکن است در زمان بوش پسر هم، وزارت خارجه موافق با جنگ نبوده باشد، اما بنتاگون و سی‌آی‌ای طرف‌دار جنگ بودند. وآن شواهد را ارائه کردند. مطمئنم شدکه شواهدشان هم دروغ است. البته الان توانستند ادعاهایی را هم مطرح کنند. شما دیدید روزنامه آمریکایی مطرح کرده ایران از ۷ اکتبر خبر داشته و این عملیات را تأمین مالی کرده است.

من فکر نمی‌کنم ایران الان تا زمان انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، سی‌آی‌ای به شکل رسمی این کار را بکند. اما کمپنی‌ها در درون‌ایه و مالوره‌ایه مافیا شود و اما اصل قضیه این است که آمریکا بعداً در این مرحله است که به جنگ ورود کند؛ به نظر من قصد نتانیاهو این است که او وارد این درگیری بشاید، اگرچه با متهایی قادر به جنگ با ایران نیست. عملیات علیه ایران را به صورت وسیع نمی‌تواند انجام دهد. شاید بتوانند یک جایی را بمباران کنند؛ اما ادعا نه آن به دلیل بعد مسافت برای اسرائیل غیرممکن است. تنها کشوری که ممکن است حریف ایران شود آمریکاست. به نظر من ما باید حواسمان باشد راه این یک نکته حمیم کنیه که واژه بازی طرف مقابل نشویم و بهانه دست آمریکا برای ورود به جنگ ندهیم و سطح بازی را در همین سطح و تبادل تاکتیکی بین ایران و اسرائیل باقی بگذاریم. باید حواسمان به سرباز‌های آمریکایی هم باشد؛ چراکه تجربه اثبات کرده تا زمانی که خودشان را هدف قرار ندهید، وارد جنگ نخواهند شد. این سنت آمریکایی هاست که زمانی که خودشان را بزنید؛ ورود می‌کنند. ولی به این که نتهایک سرباز آنها را درهدف قرار دهید؛ بنابراین خیلی مهم است که تمام مقدمات کنترل شود که فعلاً فقط پاسخ رژیم صهیونیستی داده شود. آنچه که به ذهنم می‌رسد را خدمت دوستان می‌گویم. اسرائیل به دنبال تثبیت است. واقعیت این است که به هر آنچه که انجام دادیم، هر دو عملیات وعده صادق ۱ و وعده صادق ۲ دفاعی بوده‌اند. یعنی او ابتدا گزاره‌ای را انجام داد؛ ابتدا فرمانده سپاه را ترور، بعد ما پاسخ دادیم. باز دوم هم بالاخره دو بار پایتختمان عملیات تروریستی انجام داد و هم شهید نصرالله را به شهادت رساند. اگر ایران این واکنش را نشان نمی‌داد، نشانه ضعف و انفعال بود؛ بگوئه‌ای که شاید حتی کنترل نیروهای محور مقاومت هم دشوار می‌شد. ما باید نشان می‌دادیم که بشت سر این جبهه هستیم؛ چراکه دراین لایه جنگ روانی دشمن هم به شدت تحت‌تأثیر گوئته بود، مبنی بر اینکه ایران همه چیز را مهار کرده است. این جنگ روانی شدید موجب تضعیف روحیه نیز شده بود. پس حتماً باید اقدامی انجام می‌شد؛ بنابراین ایران این اقدام را انجام داد.

**اگر طرف مقابل هدفش تشدید شرایط است، این طوری پاسخ ایران او را تحریک نمی‌کند؟ طوری است که طرف مقابل به دنبال این است که شما پاسخ دهید تا تنش را افزایش دهد. دقیقاً این طور است که دائماً مراحل درگیری را بالا می‌برد که شما واکنش نشان دهید.**

**آهویی**
بله دقیقاً این خودش یک بازی مارپیچ یا بگوئه‌ای قرارگرفتن در بازی طرف مقابل است؛ بنابراین من فکر می‌کنم چیزی که رهبری هم طرح کردند خیلی هوشمندانه است. یعنی ما نباید شتاب‌زده عمل کنیم حتی اگر ضربه‌ای خودم باید دریاسخ تأمل کنیم؛ چراکه شتاب‌زدگی چیزی است که اسرائیل می‌خواهد و می‌تواند زمینه را برای جنگ تمام عیار فراهم کند.

**صفوی**
جواب این سؤال خیلی سخت است. چون هُلُوهای شناخته شده بسیار و هُلُوهای ناشناخته بسیاری وجود دارد. بعد از ترور شهید هنیه انتظار می‌رفت که ایران سریع واکنش نشان دهد. ولی با دو تا مسئله مهمش مسئله اول این است که پاسخ متناظر برای ما مقدور نبود. رژیم اسرائیل از بدو به وجود آمدنش با ترور به وجود آمد. یعنی به‌تاگی اسنادی منتشر شده که مقطعی است که عضائی فرومی‌باشد و این منطقه فلسطین تحت قیمومیت انگلیس قرار می‌گیرد. در این مقطع در داخل انگلیس درمورد آینده این منطقه اختلاف نظر به وجود می‌آید. یکسری معتقد بودند که باید در دست خوانین محلی باشد یکسری می‌گفتند باید یک حکومت چندمذهبی در آن شکل بگیرد و اقلیتی هم معتقد بودند که باید این سرزمین را به یهودیان داد و ماجرا را به این سمت هدایت کردند. جالب است که در این مقطع یهودیان شروع می‌کنند کسانی را که با ایده شکل‌گیری اسرائیل به‌شدت مخالفت می‌کنند، ترور می‌کنند و ما در همان مقطع در داخل انگلیس تروریهای هدفمند نسبت به کسانی را که مخالف ایده شکل‌گیری دولت یهود هستند، شاهدیم. این یعنی اگر از آن موقع بخواهیم در نظر بگیریم تا همین الان این کشور را نیز زنده به تروریزم می‌کند.

ایران کشوری است با یک میلیون و ۶۴۸ هزار و ۵۱۷ کیلومتر مربع مساحت. ترور کردن در ایران خیلی راحت است. ترور در داخل اسرائیل بسیار سخت است. جمعیت خیلی کم است و افراد همه شناخته شده‌اند. یعنی در خیابانی یک نفر غیر از هالی قدم بزند همه می‌فهمند که این فرد برای آن محله نیست. جامعه‌ای کاملاً امنیتی است، ما در اوسخ باید بتناسب با آنها، تروری کردیم که نمی‌توانستیم؛ ولی باید کاری می‌کردیم که این بازدارندگی دوباره حفظ شود.

نکته بعدی این که به فشار جامعه فلسطینی لبنانی و فشار اروپایی هم باید پاسخ می‌دادیم که صحبت سر این بود که ما تاکرات صلح هستیم اموزنها گفوداند نتیجه برسد. پیام‌هایی که از جامعه فلسطینی مخابره می‌شد این بود که ما می‌خواهیم صلح کنیم و اگر شما پاسخ جدی بدهید، فرایند صلح ماتحریب می‌شود. ایران نمی‌خواست تخریب پروسه صلح اتفاق بیفتد؛ چراکه اگر جنگ باشد آدم کشته می‌شود. بچه کشته می‌شود. اسرائیل انسان‌ها را می‌کشد. مسئولیت این که ما نمی‌توانستید جلوی آن را بگیریم و باکاری که کردید. جلوی آن را نگرفتید بر دوش ایران بود. به نظر می‌رسد صبر ایران به همین دلیل بوده است.

از ترور شهید سید حسن نصرالله مرا فرق کرد. تحلیل برای ایران این طور بود که اگر جواب نه‌هیم. دفعه بعدی وزیر خارجه‌ما را می‌زنند. بعد از آن هلیپ‌های نیروی جمهوریان را روی آب‌های آزاد می‌زنند. از جانب ایران نیاز بود که کاری انجام دهند. نقطه‌ضعف این است که ایران نشان داده توانایی‌اش اش صرفاً محدود در حوزه موشکی است.

**عملیات وعده صادق ۲ فقط موشکی نبود**

عملیات وعده صادق ۲ نقطه عطفی داشت که شروع عملیات با یک حادثه امنیتی در درون متروح داد. دوستانی که آگاه باشند می‌دانند این طراحی که حمله متروح در فاصله زمانی کمی با شلیک موشک‌ها رخ دهد، خیلی کار سختی بود. این را باید تکمیل کنم که عملیات وعده صادق ۲ فقط موشکی نبود. یعنی هماهنگ شده بود و اتفاقاً مؤثر هم بوده است. ۳ دهه در محور مقاومت کار کرده‌ایم و سیستم امنیتی را به خود جلب می‌کند. نکته دوم که موضوع و مورد مهمی هم بوده اینکه بین ۱۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۱۴ دقیقه و ۳۰ ثانیه زمان پرتاب موشک از ایران به اسرائیل طول می‌کشد و اینها اتفاقات اینکه ایران به طور مستقیم از خاکش حمله کند را نداشتند. دوم اینکه اتفاقات داشتند که اگر می‌خواهد حمله کند باید نشان می‌دادیم که بشت سر این جبهه هستیم؛ چراکه دراین لایه جنگ روانی دشمن هم به شدت تحت‌تأثیر گوئته بود، مبنی بر اینکه ایران همه چیز را مهار کرده است. این جنگ روانی شدید موجب تضعیف روحیه نیز شده بود. پس حتماً باید اقدامی انجام می‌شد؛ بنابراین ایران این اقدام را انجام داد.

**اسرائیل عملیات دفاعی هم نمی‌تواند انجام دهد**

اما از منظر ما این اقدام، اقدامی دفاعی بوده؛ اقدامی آفندی‌ایه همین خاطر هم است که عملیات ما تمام شد. ما اتمام عملیات را اعلام کردیم. زمانی که اقدامی آفندی باشد دیگر دلیلی برای اعلام اتمام آن وجود ندارد؛ اما رسانه‌ها این را به گونه‌ای دیگر بیان کردند. اسرائیل بگونه‌ای این اقدام را تحلیل می‌کند که بلافاصله گام‌بگام آمریکا را به صحنه می‌آورد. باید یک موضوع آزادی مشابه رخ بدهد. ایران می‌گفت که اسرائیل توان انجام هیچ کاری را ندارد. همه عملیاتی که در غزه اتفاق افتاد، همه عملیاتی که برای رسد و بدافند علیه موشک‌ها انجام می‌دهد، با کمک آمریکاست. اسرائیل هیچ‌کدام را اینها را بدون حمایت آمریکا نمی‌تواند انجام دهد، این حرف خیلی مرشاید راست.

بالاخره این همه تبلیغات و ادعا داشتند عملیات دفاعی‌اش را خودش انجام دهد. این خیلی روشن است. اسرائیلی‌ها گام‌به‌گام می‌خواهند آمریکا را درگیر بسازند. کمانایکه همین الان هم حدود ۳۰ سربازآمریکایی برای کم